



## دانش نام‌شناسی و پژوهش‌های علوم تاریخی

عمادالدین شیخ‌الحکمایی\*

پژوهشگر مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

رامینا رضوان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۴۳ تا ۱۶۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱

علمی-پژوهشی

### چکیده

نام‌شناسی (Onomastics)، دانش مطالعه نام‌هاست از هر نوع و در هر دوره تاریخی که باشند. هدف این دانش، اسامی خاص و در واقع هرچیزی است که نامی بر آن تعلق گیرد. موضوع این دانش می‌تواند حوزه‌های گوناگون با اهداف گسترده پژوهشی باشد. هدف از نگارش این مقاله تبیین جنبه‌های گوناگون نام‌شناسی و بیان دانش‌های مرتبط با آن و همچنین توضیح ضرورت پرداختن به این دانش است. نشان‌دادن پیشینه توجه به این موضوع به صورت مستقیم و غیرمستقیم و روشن‌ساختن جایگاه این دانش در مطالعات علمی ایران، هدف دیگر نگارش این مقاله است. از آنجاکه شیوه نام‌گذاری با جغرافیا، زبان، دین و زمان تغییر می‌کند، بررسی روند این تغییرات در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون می‌تواند در مسائل مختلف کارگشا باشد. درحقیقت آنچه سبب اهمیت «اسامی خاص» می‌شود، کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، زبان‌شناسی، سندشناسی، باستان‌شناسی و شاخه‌های بسیار دیگر است که می‌تواند نتایج مهم و کاربردی از جمله روشن‌شدن علت تغییر نام‌های افراد و اماکن در دوره‌های تاریخی مختلف و همچنین میزان نفوذ زبان‌های گوناگون در جغرافیای خاص و بسیاری نتایج دیگر را به دست دهد. همچنین نام‌شناسی در ایران نیازمند پژوهش‌های بیشتر در شاخه‌های گوناگون است؛ چراکه بیشتر تحقیقات نام‌شناسی انجام‌شده درباره اسامی ایران اسلامی به دوره معاصر اختصاص دارد و به پیش از این دوره، کمتر توجه شده است.

**واژگان کلیدی:** اونوماستیک، نام‌های اشخاص، نام‌های جغرافیایی، اسامی خاص، القاب تاریخی، دانش نام‌شناسی.

## ۱. مقدمه

آگاهی از وجه تسمیه و ریشه‌شناسی نام و نسب اشخاص و اماکن، از علایق بسیاری، به ویژه محققان علوم انسانی است. پرداختن به اسامی خاص، چرایی خلق و معنای آنها، دانشی نوین و بین‌رشته‌ای شناخته می‌شود؛ اما رگه‌هایی از توجه به این موضوع، البته با رویکردی متفاوت، در برخی از مطالعات ایران اسلامی یافت می‌شود. بسیاری از پژوهشگران دوره اسلامی، به ویژه در علم جغرافیا و رجال، اسامی افراد و اماکن را بررسی کرده‌اند. همچنین در فقه‌اللغة تاریخی اگر مجموعه هدف، اسامی خاص، مانند اماکن و افراد باشد و روند تغییر آنها بررسی شده باشد، می‌تواند پژوهشی نام‌شناسی تلقی شود؛ از این رو ذهنیت پژوهشگران امروزی برای انجام دادن چنین پژوهش‌هایی بدون پیشینه نیست.

آنچه امروز از آن با عنوان میراث گذشتگان یاد می‌شود، برای درک دنیای آنان و همچنین فهم چگونگی شکل‌گیری جهان امروز، مهم پنداشته می‌شود؛ اسامی خاص برجای مانده نیز از نمونه‌های این میراث‌اند. نه تنها اسامی تاریخی، بلکه نام‌های امروزی و هرآنچه به فرهنگ نام‌گذاری مربوط می‌شود، نیز حائز اهمیت است. نام‌ها، از گذشته و حال، می‌توانند کاربرد وسیعی در پژوهش‌های گوناگون فرهنگی، تاریخی، زبان‌شناسی و ... داشته باشند؛ به همین خاطر پرداختن به آنها در قالب نام‌شناسی، در برخی کشورها دانشی مستقل به‌شمار می‌آید. در ایران نیز این دانش از صورت سنتی خود جدا شده و به شکل نوین درآمدی است؛ اما در آغاز راه و مستلزم توجه و پروراندنی شایان است.

پژوهش حاضر درباره معرفی دانش نام‌شناسی و زیرشاخه‌هایش، همچنین ذکر دانش‌های مرتبط با آن، بیان پیشینه پژوهش درباره این موضوع در کشورهای گوناگون، به ویژه ایران دوره اسلامی، به علاوه شرح ضرورت و اهمیت تحقیقات در این حوزه است. در اینجا سعی شده است با توجه به منابع، تعریف جامعی از نام‌شناسی و ابعاد گسترده آن ارائه و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه بررسی و نشان داده شود که پاسخ بسیاری از پرسش‌های تاریخی، جغرافیایی، زبان‌شناسی و ... را می‌توان به کمک دانش نام‌شناسی دقیق‌تر و ساده‌تر به دست آورد؛ پرسش‌هایی که شاید هررشته، به‌طور جداگانه و بدون استفاده از نام‌شناسی سخت‌تر بتواند به آنها پاسخ دهد. دلیل انتخاب موضوع نام‌شناسی، توجه اندک و بهره نگرستن از این توان در مطالعات مرتبط با ایران دوره اسلامی است. این در حالی است که این دانش در برخی کشورها پیشرفت‌های درخوری داشته و کارهای ارزشمندی براساس آن شکل گرفته است. بی‌تردید توجه خاص به دانش نام‌شناسی می‌تواند موجد پژوهش‌های ارزشمند مستقل و بین‌رشته‌ای شود.

## ۲. نام‌شناسی

مؤسسات و افراد فعال در حوزه نام‌شناسی، تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند که به درک بهتر این مفهوم کمک می‌کند. برخی لغت‌نامه‌ها نام‌شناسی را شاخه‌ای از زبان‌شناسی و واژه‌شناسی می‌دانند که به مطالعه تاریخ، ریشه و ساختار اسامی خاص می‌پردازد و به دو بخش مطالعه اسامی افراد و اماکن تقسیم شده است. همچنین نام‌شناسی را سازوکار شکل‌گیری و کاربرد یک اسم خاص بیان می‌کنند ( Onomastique, 2003: 1031; Namenkunde, 2019: www.duden.de & Webster, 1988: 825). *دایرةالمعارف بریتانیکا*، نام‌شناسی را علم مطالعه اسامی از تمامی جهات معرفی می‌کند و مجموعه هدف (سوژه: افراد، اماکن، اسامی موجود در طبیعت، اسامی ساختمان‌ها، راه‌ها، حیوانات، نژادها و گروه‌های اجتماعی، وقایع، اسامی نجومی، اشیاء و حتی اسامی خیالی) آن را بسیار وسیع می‌داند؛ زیرا هر چیزی می‌تواند اسم داشته باشد، در هر زبان این اسم متفاوت است و تمامی نواحی فرهنگی و جغرافیایی و ادوار تاریخی را در بر می‌گیرد (Zgusta, 2014: "Name"). اما شورای بین‌المللی علم نام‌شناسی (ICOS)<sup>۱</sup> تعریفی جامع‌تر از نام‌شناسی و حوزه‌های آن دارد، این شورا این علم را مطالعه اسامی افراد، اماکن و نام‌های خاص از هر نوع دیگر می‌داند، اسامی را از نظر فرهنگی و سیاسی مهم می‌داند و بیان می‌کند که نام‌شناسی به بررسی و مطالعه تاریخچه اسامی اشخاص و یا نام‌های یافت‌شده از گروه‌های اجتماعی یا مناطق خاص می‌پردازد و برای پی‌بردن به الگوی توسعه جغرافیایی یا اجتماعی آنها استفاده می‌شود و دستگاه‌های زبانی را که برای تولید نام و پویا نگه‌داشتن آنها در بستر زبان یا زبان‌های جامعه هدف به کار می‌روند، مطالعه می‌کند؛ الگوهای فعلی اسامی و فرآیند نام‌گذاری برای ایجاد محبوبیت و اشاعه اسامی یا انواع نام‌های مشخص؛ بار معنایی اسامی؛ چگونگی امکان به‌کاربردن نام‌های مختلف برای ماهیت یکسان در یک فرهنگ مشترک؛ چگونگی تبدیل کلمات عادی و عبارات به اسم خاص و یا برعکس، چگونگی به‌کاربردن اسامی خاص به‌صورت استعاری یا تبدیل اسامی به ماهیتی که در اصل نداشته‌اند؛ مشکلات عملی ناشی از این واقعیت که اسامی در سراسر مرزهای زبانی به کار می‌روند و ممکن است اسامی مختلف، بیانگر یک ماهیت مشترک باشند؛ نام‌گذاری افراد، اماکن و غیره و درنهایت مطالعه اینکه اسامی خاص به‌طور کلی چه هستند و چه کارکردی دارند، همه از مباحث مورد مطالعه نام‌شناسی هستند (Coates: icosweb.net)؛ بنابراین نام‌شناسی علاوه بر جنبه زبان‌شناسانه و روان‌شناسانه جنبه‌ای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی نیز دارد. در واقع نام‌شناسی، دانش مطالعه «اسامی خاص» است؛ از هر نوع و

در هر زمان و زبان و مکانی که باشند. واژه «نام‌شناسی» که در لاتین به آن «اونوماستیک» (Onomastic) گفته می‌شود، از لغت یونانی «اونوما» به معنای «نام» و به طور کامل‌تر «اونوماستیکوس» (ὄνομαστικός)، به معنای «آنچه مربوط به نام‌گذاری است»، گرفته شده است (Liddell and Scott, 1883: 1056-1057; Webster, 1988: 825; ). اسامی مورد بررسی نام‌شناسی از یک بُعد می‌تواند شامل افراد، اماکن، مشاغل، حیوانات و ...، یعنی تفکیک براساس انواع اسم باشد و از بُعدی دیگر، می‌تواند ادوار تاریخی، نواحی جغرافیایی و زبان‌های گوناگون را دربرگیرد. منابع مطالعاتی نام‌شناسی تاریخی (Historical Onomastics)، اسامی دوره معاصر نیست، بلکه می‌تواند اسامی موجود در اسناد و نسخ خطی، اسامی موجود بر اشیا تاریخی، کتیبه‌ها و هر شیئی که اسم خاصی دارد، باشد. همچنین در صورتی که پژوهشی به دوره معاصر بپردازد، منبع مطالعاتی می‌تواند اسامی موجود در جامعه، اعم از نام افراد، اماکن و ... در گویش‌های گوناگون باشد.

### ۳. ضرورت پژوهش درباره نام‌شناسی

نام‌ها، واژگانی برای تشخیص و تمیز دادن افراد، اشیا و اماکن از یکدیگر هستند که انسان‌ها از هزاران سال پیش آنها را به وجود آورده‌اند. گرچه کارکرد اصلی هر نام «شناسایی» است، اما ظرفیت آن را دارد که حامل کارکردهای فرعی و ثانوی شود؛ مانند کارکرد فرهنگی (صفری، ۱۳۸۹: ۲) دینی، سیاسی، جغرافیایی، قومی؛ چراکه شیوه نام‌گذاری قطعاً با جغرافیا، زبان، دین، زمان و سطح اجتماعی تغییر می‌کند.

غالباً در مواجهه با اسامی خاص با این پرسش‌ها روبه‌رو می‌شویم: چرا با این نام خوانده می‌شوند؟ معنای آنها چیست؟ به چه زبانی هستند؟ ریشه این اسم‌ها چیست؟ مربوط به کدام دوره تاریخی هستند؟ روند تغییرات این اسامی در دوره‌های مختلف تاریخی به چه صورت بوده است؟ اسامی رایج در هر دوره چه بوده‌اند؟ پرسش‌هایی که در مواجهه با اسامی افراد مطرح می‌شوند: به کدام جنس تعلق دارند؟ مربوط به کدام طبقه اجتماعی هستند؟ مربوط به کدام دین و مذهب‌اند؟ آیا به فرهنگ خاصی اشاره دارند؟ درباره جای نام‌ها با این پرسش‌ها روبه‌رو می‌شویم: آیا مربوط به عوارض زمین‌شناسی هستند؟ آیا به گونه‌های گیاهی و جانوری موجود در منطقه مرتبط‌اند؟ آیا به رخداد تاریخی خاصی اشاره دارند؟ آیا بازمانده نام یک بنا یا اثر تاریخی‌اند؟ بنابراین، می‌توان گفت با مطالعه نام‌ها به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود. بررسی نام‌ها و قواعد حاکم بر آنها می‌تواند بسیاری از موارد اجتماعی و فرهنگی جامعه را که در جایی به‌طور مستقیم

به آن اشاره نشده است، روشن سازد. اسامی را به دوصورت می‌توان تقسیم‌بندی کرد: یکی براساس نوع اسم و دیگری براساس تاریخ، جغرافیا و زبان؛ از آنجاکه هر دو وجه همراه با یکدیگرند، کاربرد اسامی به‌طورکلی در ادامه بیان می‌شود.

باتوجه‌به اینکه خوانش اسامی خاص در اسناد و نسخ خطی و منابع تاریخی به دلیل نبودن نقطه ممیزه و حرکت‌گذاری، همواره با دشواری‌هایی همراه بوده است و سبب پدیدآمدن چند قرائت برای یک اسم خاص شده است، با ارائه فهرستی با ساختار بهینه و الگوی مشخص از این اسامی در هر دوره تاریخی، می‌توان از آنها در بازخوانی و تصحیح اسناد و نسخ خطی دوره مشابه کمک گرفت (افشار، ۱۳۸۴: مقدمه/۵)؛ به‌طوری‌که در مواردی که ابهاماتی در خوانش وجود دارد، می‌توان با تطبیق موارد مشابه موجود در فهرست باتوجه‌به زمان و مکان سند یا نسخه، مشکل را برطرف کرد و درخصوص اسامی افراد از بروز اشتباه در شناسایی آنها به دلیل وجود صورت‌های گوناگون از یک اسم باتوجه‌به تعدد القاب و عناوین جلوگیری کرد (شیمل، ۱۳۷۶: ۶ و صادقی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). به علاوه درباره جای نام‌ها با بررسی دیگر اسامی جغرافیایی خوانده‌شده موجود در متن اسناد و نسخ یا با دردست‌داشتن خوانش‌ها و رسم‌الخط‌های بومی گوناگون از یک جای نام و رجوع به فهرست، شاید بتوان نام خوانده‌نشده‌ای را بازخوانی و با ارائه تلفظ صحیح اسامی در این فهرس، به سایر زمینه‌های مطالعاتی نیز کمک کرد.

نام افراد تنها یک انتخاب نیست، بلکه مجموعه وسیعی از معانی در آن نهفته است که می‌تواند بازتاب وضعیت جامعه باشد. تغییر در زبان، فرهنگ، جامعه، مذهب و سیاست، می‌تواند مستقیماً در نام‌گذاری افراد تأثیرگذار باشد و در واقع اثری است که جامعه بر فرد می‌گذارد. در نگاه به اسم و معنای آن، روابط محیط اجتماعی و تاریخی آشکار می‌شود (دانش و قربانی، ۱۳۹۶: ۸۸-۹۰؛ فیض، ۱۳۸۳: ۲؛ صفری، ۱۳۸۹: ۳؛ رجب‌زاده و ۱۳۷۸: ۳۰).

نام افراد در وهله نخست، جنسیت آنها را مشخص می‌سازد. این مسئله از سال‌های دور وجود داشته و در بیشتر موارد نام زنان متفاوت از مردان بوده است. جالب است که در مواردی نامی زنانه به نامی مردانه یا برعکس تبدیل شده یا نامی برای زنان و مردان مشترک بوده است. تغییرات تدریجی در جنسیت اسامی افراد، موضوعی است که می‌توان با بررسی روند تغییر اسامی به آن دست یافت (امین، ۱۳۸۵: ۶). همچنین از بررسی جایگاه اسامی در اسناد، می‌توان مناصب و نیز حوزه اختیارات و شاید سلسله‌مراتب آنها را دریافت و با کنار هم قراردادن اسناد و تاریخ‌نگاری‌ها و سفرنامه‌ها، برخی ابهامات تاریخی را برطرف یا دست‌کم آنها را روشن‌تر ساخت. معانی نام‌ها حالات روحی و روانی، زمینه‌های

تولد، عقاید و مانند آن را نیز نشان می‌دهد. همچنین اجزای نام‌ها، جایگاه اجتماعی آنان را روشن می‌کند (افشار و نجاتی حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۴ - ۱۴۵ و رحیمی فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۵۸) و می‌تواند در شناخت خاندان‌های علمی، حکومتی، اقتصادی و فرهنگی و پیوندهای سببی و نسبی آنها، شناخت قبایل، مشاغل و اقوام و فضلا، بزرگان و هنرمندان، نگرش انسان‌ها به جنسیت در گذشته و حال، تغییر رویکردها در نام‌گذاری و اولویت‌های نام‌گذاری دوره‌های تاریخی مفید باشد (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۳۰).

بررسی این نکته که هر منصب، لقب و پیش‌نام (هریک از اجزای اسم) حدوداً از چه زمانی تا چه زمانی کارآیی داشته و در چه جایگاهی قرار داشته است، گاهی در تشخیص زمان حدودی زندگی افراد (اگر که زمان کاربری کوتاه باشد) یا در دریافت معنای روشن‌تر واژه یاری‌دهنده است؛ چراکه برخی از این اجزای تاریخی با همان صورت ظاهری تغییر معنایی و محتوایی داشته‌اند و در هر دوره از نظر مرتبه، جایگاه و معنا تغییر کرده‌اند (مانند خواجه، خانم، خاتون، ایشی، آغا و ...). بنابراین باید توجه داشت که معنا و مفهوم هر جز می‌باید با توجه به بستر و دوره تاریخی آن مطرح شود. همچنین با بررسی اسامی افراد و اماکن، می‌توان تأثیر زبان‌های دیگر را در زبان فارسی دریافت. اسامی خاص می‌تواند نشانه نفوذ و ورود فرهنگ جدید به جامعه باشد.

با مشخص شدن نام کامل افراد یا دست‌کم بخش بیشتری از نام آنها، احتمال خطا در یکسان‌انگاشتن دو فرد متفاوت یا متفاوت‌پنداشتن افراد یکسان کم می‌شود. علاوه بر این، در صورتی که شجره یا زمان تقریبی زندگی افراد با توجه به تاریخ سند مشخص شود، این ابهامات تا حدودی برطرف خواهد شد؛ مثال: مینورسکی در تصحیح *تذکره الملوک* «میرمحمدباقر ملباشی» را با میرمحمدباقر مجلسی یکسان می‌پندارد، حال آنکه زمان زندگی وی ثابت می‌کند که وی فردی دیگر است (ن.ک: صفت‌گل، ۱۳۸۹: ۴۱۷). مثال دیگر، مقاله‌ای درباره هویت مترجم *تاریخ سلانیک* است که نگارنده مقاله با توجه به داده‌های موجود در *تاریخ سلانیک* و قواعد نام‌گذاری در دوره قاجار بیان می‌کند که حسن بن علی مترجم، همان محمد حسن بن حاجب‌الدوله علی مقدم مراغه‌ای یا همان اعتمادالسلطنه است که مصحح کتاب پی به هویت آن فرد نبرده بود (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۲). همچنین در مقاله‌ای دیگر که در نقد بازخوانی سندی از دوره تیموری نگاشته شده، به نمونه‌هایی که به روشنی تأثیر دانش‌نام‌شناسی در بازخوانی صحیح اسامی خاص را نشان می‌دهد، اشاره شده است؛ همچون نام «مهدی‌قلی» که در دوره تیموری کاربردی نداشته و قطعاً خوانش اشتباه است به دلیل استفاده از نام مهدی و

همچنین واژه قلی و احتمالاً «مهریقن است». همچنین نام «آقاخانه» به عنوان نامی زنانه که با آشنایی با پسوند «خاند» (خداوندگار) می توان گفت که این نام «آقاخاند» یا «آغاخاند» بوده است و موارد بسیار دیگر (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۱). مثال دیگر، *نزهة المجالس* است که در آن مصحح برای شناسایی شاعران کوشش کرده است و در مواردی به دلیل ناشناخته بودن شعر و شاعر، اسامی به همان شکلی که در متن اصلی آمده، آورده شده است؛ همچون عزّ شروانی (عزالدین شروانی) یا جمال اشهری (جمال الدین اشهری) که شاید باتوجه به ساختار اسامی بتوان آنها را شناسایی کرد (شروانی، ۱۳۷۵).

شفیعی کدکنی در یادداشتی در روزنامه *اطلاعات*، به شرح اهمیت بررسی اسامی افراد و تأثیری که عوامل تاریخی، جغرافیایی، نژادی و سیاسی در انتخاب نام و کنیه افراد داشته، پراخته است. وی تبیین رابطه نام پدران و پسران و رابطه کنیه ها با نامها را یکی از مهم ترین نکات این بررسی می شمارد که برای مثال، چند درصد «علی»ها، «ابوالحسن»اند (۱۳۸۵: ۶). او به اهمیت رابطه طبقات و این نام گذاریها اشاره می کند و پاسخ آن را در اسناد می داند. همچنین بیان می کند که طبقه بندی و فهرست کردن نامها به صورت یک پایگاه داده و تحلیل آنها بسیار حائز اهمیت است و سبب پاسخ به انبوهی از پرسشهای تاریخی و مدنی و فرهنگی می شود و یکی از دلایل اهمیت چنین پژوهشی را در این می داند که «هیچ کس، جز حقیقت تاریخ، در شکل گیری داده های آن دخالت ندارد و نیازی هم به نظارت سازمان ملل متحد نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۶). از این گونه مطالعات می توان به مرزهای جغرافیایی ایدئولوژی های متعارض پی برد. اینکه چرا فلان نام با فلان کنیه بیشتر همراه است؟ درصد نام های ایرانی چه مقدار است و درصد نام های عرب جاهلی چه مقدار است؟ نام گذاری با نام های ترکی از کی شروع شده و در چه ناحیه هایی؟ و نوع نامها مرتبط با چه قبایل و طبقاتی (بردگان تا سلاطین، زنان تا مردان) است؟ (همان). همچنین مطالعه در حفظ اشتقاقیات یک نام یا یک کلمه در زنجیره افراد یک خاندان، موضوعی است که می تواند دستاوردهای خاص خود را داشته باشد. ایشان مطالعه درباره شیوع یک نام در جغرافیا یا در دوره تاریخی خاص و عدم شیوع آن در جاها یا ادوار دیگر را نیز مهم می داند (همان).

جای نامها، تصور پیشینیان را از جهان بیان می کنند. همچنین به انتخاب نام جدید در زمینه های گوناگون یا تبدیل اسامی در زبان های مختلف کمک می کنند (Zgusta, & Hough, 2014: "Name" & onomastics.co.uk). بررسی نام اماکن و وجه تسمیه آنها حقایق مربوط به دین، تاریخ ساکنان اولیه هر منطقه و رابطه بین افراد، تاریخ، جغرافیا و فرهنگ

را بیان می‌کند. باتوجه‌به اسامی اماکن، می‌توان داده‌هایی برای مطالعات باستان‌شناسی به دست آورد (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۷: هفده-هجده). همچنین باتوجه‌به آنکه ریزترین نام‌های ثبت‌شده در لغت‌نامه یا فرهنگ آبادی‌ها، نام آبادی است، اما هر آبادی شامل نام‌های جزئی فراوانی است که به‌سرعت در حال نابودی است، ثبت اسامی اماکن ضرورت دارد.

همچنین بررسی اسامی به شناخت واحدهای سنجش، واحد پول، مقیاس‌ها و اوزان رایج در هر دوره می‌تواند کمک کند؛ مانند: درهم، دینار، من، قبضه، تومن، خرمن و ... . بررسی تطبیقی نام‌های حیوانات و گیاهان در گویش‌ها و زبان‌های مختلف، می‌تواند به شناخت گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری ناحیه‌ای خاص که ممکن است تغییر یافته یا منقرض شده باشند، کمک کند؛ برای مثال، شناخت گونه‌های گیاهی مذکور در رساله‌ای در زمینه طب و تطبیق نام‌های آنها با اسامی امروزی، به استفاده از دستوره‌های پزشکی موجود در آن کمک می‌کند. مثال دیگر استخراج نام‌های حیوانات در لهجه، گویش و زبان‌های گوناگون و ریشه‌یابی آنهاست که شاید در بررسی خواستگاه حیوانات یا وجه تسمیه آنها مفید باشد.

پرداختن به اسامی از نظر زبان‌شناسی نیز دارای اهمیت است و به شناخت گویش‌های رایج در هر منطقه در دوره تاریخی مشخص کمک می‌کند. همچنین باتوجه‌به اسامی می‌توان تداوم و تحول اسامی جغرافیایی مناطق مختلف، گونه‌های زبانی، تغییرات آوایی و نوشتاری، الگوهای مهاجرت، تأثیر گویش و زبان‌های رایج در منطقه را بر نام‌گذاری بررسی کرد (همان: هجده).

اسامی به اندازه‌ای اهمیت دارند که گاه از آنها برای اهداف سیاسی استفاده ابزاری می‌شود؛ همچون نام‌گذاری‌هایی که با نفوذ حکومت‌های استعمارگر در آسیای غربی انجام شده است؛ مانند نام «آذربایجان» برای کشوری که امروز به همین نام خوانده می‌شود و مردم این سرزمین بدون توجه به پیشینه این موضوع، آن را آذربایجان تاریخی می‌دانند، حال آنکه این منطقه در گذشته «آران» نام داشته است! مثالی دیگر که بدنه‌پورن و بروک بیان می‌کنند، نام‌گذاری اسرائیل به جای فلسطین است با تکیه بر نام قومی که پیش‌تر ساکن آنجا بوده‌اند (Bruck and Bodenhorn, 2006: 12).

#### ۴. پیشینه پژوهش‌های نام‌شناسی

با پیشرفت علم و طبقه‌بندی موضوعات گوناگون، دسته‌بندی داده‌هایی همچون اسامی بیشتر مطرح شد و بدین ترتیب اسامی، مورد توجه بیشتری قرار گرفتند. در دوره میانه هم نام‌شناسی هنوز به‌عنوان دانش موضوعیتی نداشته و تنها در دوره معاصر مورد توجه



جدی قرار می‌گیرد. این موضوع در وهله اول مورد توجه زبان‌شناسان قرار می‌گیرد و آنها با بررسی اسطوره‌های زبان‌های مختلف چون اوستا، وداها، مهابهارات و رامایانا و ... تأثیر باورها و تفکرات و جهان‌بینی بشر بر اسامی را به نمایش می‌گذارند. از قرن ۱۶م. فرهنگ لغت‌هایی حاوی اسامی خاص رایج شدند. همچنین بسیار پیش از آن، نوشتن تذکره‌ها نیز به‌گونه‌ای بخشی از این دانش به‌شمار می‌رفت. در قرن ۱۷م. و پس از آن نیز نگارش جای‌نام‌ها که از کشور، ایالت و شهر شروع می‌شد، زیاد شد و اسامی خاص و کارکردشان به‌عنوان بخشی از دستور زبان مورد توجه قرار گرفت (Hajdú, 2003: 8-15).

مطالعه علمی نام‌شناسی در جهان از قرن ۱۹م. آغاز شد (Ibid: 27). تمرکز نام‌شناسان ابتدا بر مطالعات تاریخی بود و سپس به سمت تاریخ ملی رفت؛ چراکه ثبت اسامی خاص در هر زبان می‌توانست به توسعه آن و به زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی کمک کند. نشریات و کتب زیادی تألیف شد و همچنین از آنجاکه لازمه پیشرفت هر دانشی، مستقل شدن آن و وجود مؤسسه، سازمان، دانشکده و گروهی مشخص و مستقل است (Ibid)، در کشورهای مختلف برای مطالعه اسامی خاص؛ انجمن‌ها، گروه‌ها و مؤسسات مختلفی، وابسته به دانشگاه‌ها یا مستقل از آنها به‌وجود آمد. این مؤسسات که امروزه نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهند، دستاوردهایشان را به‌صورت نشریه یا از طریق پایگاه‌های داده، فرهنگ لغت، کتاب، مقاله و ... در اختیار افراد قرار می‌دهند. حوزه مطالعاتی برخی از آنها محدود به جغرافیای خاصی است و برخی دیگر فعالیت بین‌المللی دارند. تعیین محدوده مطالعاتی آنها ممکن است براساس جغرافیا، مذهب و بازه زمانی خاص باشد یا ممکن است محدودیتی براساس انواع اسامی خاص (اسامی افراد، اماکن، حیوانات، گیاهان، اسامی اسطوره‌ای و بسیاری دیگر) داشته باشند. در ادامه به معرفی برخی از این مؤسسات براساس تاریخ تأسیس اشاره می‌شود:

۱. انجمن جای‌نام‌های انگلیس (EPNS): در دانشگاه ناتینگهام به ریشه‌یابی جای‌نام‌ها و چگونگی توسعه آنها می‌پردازد. از ۱۹۶۹م. انتشار «مجله انجمن جای‌نام‌های انگلیس»<sup>۳</sup> را آغاز کرده است (URL1)؛ ۲. گروه متخصصان سازمان ملل متحد: در زمینه اسامی جغرافیایی با هدف یکسان و استانداردسازی اسامی جغرافیایی در سراسر جهان با تکیه بر گویش هر منطقه فعالیت می‌کند (URL2)؛ ۳. انجمن مطالعات اسم در بریتانیا و ایرلند (SNSBI):<sup>۴</sup> با هدف گردآوری پژوهشگرانی که در جزایر بریتانیا درباره اسامی پژوهش می‌کردند، راه‌اندازی شد (URL3) و سال‌نامه‌ای با عنوان «نام‌ها» (Nomina) از ۱۹۷۷م. به چاپ می‌رساند؛ ۴. آکادمی علوم اتریش هم پژوهشی در زمینه بررسی نام‌های

ایرانی (اسامی افراد) با عنوان «نام‌نامه ایرانی» (IPNB)<sup>۵</sup> آغاز کرد که این پژوهش از نظر ساختاری رویکرد خاصی به تمامی جنبه‌های تاریخی مرتبط به نام‌شناسی داشت و ریشه‌شناسی، ریخت‌شناسی و وجه تسمیه اسامی افراد را بررسی می‌کرد و بیشتر دیدگاهی زبان‌شناسانه داشت (این طرح زیر نظر رودریگر اشمیت، منفرد مایه‌وفا و هاینر آیشنا آغاز شد و به تدریج افرادی به آن اضافه شدند) (URL4)؛ ۵. شجره مطالعات نام‌های خانوادگی<sup>۶</sup> (نسبت اسمی): مرکز عالی جهانی مطالعه نام‌های خانوادگی سراسر جهان است که به تبارشناسی و بررسی خاندان‌های مختلف می‌پردازد (URL5)؛ ۶. مجمع همکاری شمال اروپا در زمینه تحقیقات وابسته به اسم (NORNA)<sup>۷</sup> مجموعه‌ای از پژوهشگران کشورهای مختلف اروپایی است که با هدف ترویج و تشویق تحقیقات نام‌شناسی فعالیت می‌کند (URL6)؛ ۷. پایگاه داده افراد قرون وسطا در اسکاتلند از ۱۰۹۳-۱۳۱۴م: اسامی افرادی که در این بازه زمانی نقش داشته‌اند، براساس بیش از ۸۶۰۰ سند گردآوری کرده و نسبت‌های خاندانی آنها را نیز بررسی نموده است (URL7)؛ ۷. برخی مؤسسات نام‌شناسی محلی با حوزه فعالیت محدودتر، مانند مجموعه‌ای که جای‌نام‌ها را در شش منطقه اولستر (ایرلند شمالی)<sup>۹</sup> بررسی می‌کند. این انجمن در ایرلند،<sup>۱۰</sup> از ۱۹۷۸م. نشریه‌ای با نام «جای‌نام‌های اولستر» به چاپ می‌رساند (URL8)؛ ۸. جای‌نام‌های غنا: طرحی تحقیقاتی برای بررسی معنا و ریشه جای‌نام‌های کشور غناست و از افراد عادی و سازمان‌ها برای همکاری استقبال می‌کند (URL9)؛ ۹. دپارتمان تحقیقات اروپای شمالی<sup>۱۱</sup> در دانشگاه کپنهاگ بخش اسامی در دانمارک: به نام‌های افراد و اماکن در دانمارک و همچنین تبارشناسی می‌پردازد و اطلاعاتی درباره چگونگی شکل‌گیری این اسامی در اختیار قرار می‌دهد؛ ۱۰. مؤسسه زبان و فرهنگ عامه سوئد:<sup>۱۲</sup> بر چند بخش گویش، فرهنگ عامه، اسامی و برنامه‌ریزی زبانی تمرکز دارد و در بخش اسامی، اسامی مورد استفاده در سوئد را از زمان‌های اولیه تا حال همراه با معنی، تلفظ و هجی (نحوه نگارش) دربرمی‌گیرد. این مؤسسه پایگاه داده و فرهنگ لغتی از اسامی افراد و اماکن تهیه و سعی کرده است صورت مناسب این اسامی را پیشنهاد دهد (URL10)؛ بنابراین مؤسسات، دانشگاه‌ها و نشریات گوناگونی خارج از ایران به دانش نام‌شناسی می‌پردازند و به صورت مستقل یا وابسته فعالیت می‌کنند. علاوه بر نام‌شناسی در کشورهای گوناگون درباره نام‌های غیراسلامی، در عالم اسلامی و پس از اسلام نیز در قالب علم رجال و با هدف بررسی روایان احادیث، به اسامی اسلامی پرداخته شده است که در ادامه توضیحاتی در این باره آمده است.

#### ۴-۱. پژوهش‌های نام‌شناسی اسلامی

از پژوهش‌های اسلامی که با نام‌شناسی ارتباط بیشتری دارند، می‌توان به علم رجال در دو بخش تراجم و انساب و نیز مبحث تشابه نام‌های راویان (مؤتلف و المختلف) در علم درایه اشاره کرد.

#### ۴-۱-۱. علم رجال

علم رجال علمی است که با هدف بررسی صحت یا عدم صحت احادیث، درباره احوال راویان حدیث بحث می‌کند؛ درحقیقت موضوع علم رجال، راویان احادیث (الراضی العبدالله، ۲۰۰۱: ۷؛ سبحانی، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۲) و اهمیت آن در استخراج و استنباط صحیح احکام شرعی است که به تشخیص حدیث صحیح از ناصحیح بستگی دارد که آن هم به بررسی راویان احادیث وابسته است (الراضی العبدالله، ۲۰۰۱: ۸).

#### ۴-۱-۲. علم تراجم

تراجم در لغت جمع ترجمه و به معنای بیان کلامی از زبانی به زبان دیگری است (نفیسی، ۱۳۵۵: تراجم) و همچنین به معنی سرگذشت، تاریخ حیات کسی، کارنامه و شرح حال کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷: تراجم). در علم تراجم افراد از جهت جایگاهی که در علوم و فنون، جامعه و سیاست دارند، مطرح می‌شوند و برخلاف علم رجال، این علم خاستگاه اسلامی ندارد و پیش از اسلام نیز مطرح بوده است (سبحانی، ۱۳۶۹: ۱۵-۱۶)، ولی می‌تواند در خدمت علوم اسلامی مانند علم رجال باشد. کتب تراجم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای به معرفی زندگی‌نامه راویان احادیث می‌پردازند که در این صورت در جهت کمک به علم رجال قرار می‌گیرند و دسته‌ای دیگر، به معرفی بزرگانی غیر از راویان می‌پردازند. ازجمله کتاب‌های تراجم که به راویان احادیث پرداخته است، *رجال النجاشی* (نجاشی، ۱۳۶۵) و *رجال طوسی* (الابواب) (طوسی، ۱۴۲۷) هستند که رجال نجاشی کوشیده است راویان و علمای شیعه را معرفی کند و منبعی موثق است. *رجال طوسی* به معرفی اصحاب ائمه معصومین می‌پردازد که روایتی از آنها نقل شده باشد. ازجمله کتاب‌های غیررجالی، *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر* (ثعالبی، ۱۴۲۰)، *فوات الوفیات* (کتبی، بی‌تا)، *مجمع‌الآداب فی معجم‌اللقاب* (ابن فوطی، ۱۴۱۶)، *معجم‌الادبا* (یاقوت حموی، ۱۹۹۳) است. ازجمله کتب تراجم جدید که به غیر اهل حدیث پرداخته و برخی بانوان را معرفی کرده‌اند، عبارت‌اند از: *اعلام النساء المؤمنات* (حسون و مشکوة، ۱۴۲۱)، *بانوان عالمه و آثار آنها* (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۹) و *تراجم اعلام النساء* (اعلمی حائری، بی‌تا) که از این جهت که به معرفی اسامی بانوان می‌پردازند، دارای اهمیت هستند. سایر

کتب تراجمی که به غیر از راویان احادیث پرداخته‌اند، از این‌رو که هدف از آنها تنها ذکر بزرگان اسلامی نبوده است، در ذیل تذکره شرح داده شده‌اند.

#### ۴-۱-۳. علم انساب

علم انساب یا تبارشناسی، از نسب‌های مردم و قاعده‌های کلی و جزئی آن سخن می‌گوید و غرض از آن احتراز از خطا در تعیین نسب اشخاص است (حاجی خلیفه، بی‌تا: ۱ و ۱۷۸). نسب‌نامه‌ها شجره و نسب افراد را معرفی می‌کنند و برخی از آنها تنها به انساب و برخی دیگر ذیل نسب‌نامه به معرفی القاب نیز پرداخته‌اند. از آنجاکه این دانش منشأیی غیر از اسلام دارد، می‌توان آن را به دو دستهٔ نسب‌نامه‌های رجالی و غیر از آن تقسیم کرد که دستهٔ اول که به راویان احادیث می‌پردازد، در خدمت علم رجال قرار می‌گیرد. *الانساب سمعانی* (۱۳۸۲)، از نوع اول و جزء منابعی است که القاب را نیز بررسی کرده است و *جمهره‌النسب* (ابن‌کلبی، ۱۴۰۷) و *الانساب صحاری* (عوتبی صحاری، ۱۴۲۷) از نوع دوم هستند. *سمعانی در الانساب* خود کوشیده است کاملاً طبقه‌بندی شده نام شهرها، قبایل و قریه‌ها را به ترتیب الفبا ذکر کند و نام رجال و علمای هر منطقه را به ترتیب الفبا زیر آنها بیاورد. در کتاب‌هایی این چنین، هدف، معرفی نسب راویان احادیث است که با توجه به خاندان آنها میزان اعتبار سخنشان مشخص می‌شود. *جمهره‌النسب*، انساب عرب را باکمال دقت نوشته است و افرادی که کم یا زیاد در تاریخ عرب و اسلام نقش داشته‌اند، معرفی کرده است. در *الانساب صحاری* ابتدا از اهمیت نسب‌شناسی، به‌ویژه در علم حدیث گفته و سپس انساب عرب و طبقات آن را بیان کرده است. در زمینهٔ علم انساب کتب بسیاری نگاشته شده و در اینجا هدف تنها معرفی این دانش در ارتباط با دانش‌نام‌شناسی و فصول مشترک بین این دو است.

در علم رجال به دلیل اهمیت راویان حدیث و تعیین هویت آنها، اسامی، اهمیت مذهبی یافتند و بیشتر به آنها توجه شد؛ البته هدف از پژوهش دربارهٔ اسامی در این علم، تشخیص هویت فرد است. در حقیقت، در منابع رجالی موضوع نام‌شناسی به صورت اختصاصی بررسی نمی‌شود و دامنهٔ کار به سمت دیگری گسترش می‌یابد. همچنین کتب تراجم در زمینهٔ نام‌شناسی از آن جهت که نام و تاریخ حیات افراد را بیان می‌کنند، حائز اهمیت‌اند؛ اما رویکرد تراجم هم معرفی افراد سرشناس از راویان حدیث تا دانشمندان، ادبا، حکما و هنرمندان هر دوره است و هدف آن بررسی نام فرد و تأثیری که زندگی وی و محیط بر انتخاب نام او و اجزای آن داشته است، نیست. شاید علم انساب در میان موارد نام‌برده، بیشترین توجه را به خود نام و به تبع، بیشترین نزدیکی را با دانش

نام‌شناسی داشته باشد، ولی هدف آن نیز پرهیز از خطا در شناخت افراد است. به هر روی، گرچه علوم اسلامی مذکور، در پژوهش‌های نام‌شناسی به ما کمک بسیاری می‌کنند، اما هدفی متفاوت از نام‌شناسی دارند.

#### ۴-۱-۴. مؤتلف و المختلف

اسامی رجال در صورتی که از نظر نوشتاری مشابه و از نظر نطق و تلفظ متفاوت باشند، «مؤتلف و المختلف» گفته می‌شوند؛ مانند حناط و خیاط، جریر و حریر، عبیس و عنبس و بسیاری دیگر (حافظیان، ۱۳۹۰: ۱، ۱۴۵ و میردامادی، ۱۳۹۶، ۹۷). از آنجاکه اسناد و نسخ خطی در بیشتر موارد بدون نقطه نگارش می‌شدند، احتمال خطا در آنها زیاد است و لذا برای کمک به شناخت راویان و خوانش متن احادیث، کتبی در این زمینه تألیف شده است که به همین نام خوانده می‌شوند؛ از نمونه‌های آنها *المؤتلف و مختلف* دارقطنی (۱۴۰۶) و *المؤتلف و المختلف* ابن ماکولا (۱۴۱۱) را می‌توان نام برد.

#### ۴-۲. پژوهش‌های نام‌شناسی دوره اسلامی در ایران

در ایران، مؤسسه یا انجمن مستقلی با عنوان نام‌شناسی یا مفاهیم مرتبط با آن وجود ندارد. گرچه در خلال کارهای انجام‌شده (کتاب، مقاله، مصاحبه و ...) در زمینه‌های گوناگون، می‌توان مواردی یافت که به گونه‌ای به اسامی پرداخته‌اند؛ اما در بیشتر موارد، هدف و رویکردی غیر از نام‌شناسی داشته‌اند. در بسیاری از فرهنگ‌نام‌ها، تنها به ارائه فهرستی از اسامی افراد و معنای آن اکتفا شده و الگوی ساختاری نام، پیشینه و جایگاه اجتماعی آن بررسی نشده است؛ البته درباره جای نام‌ها، در توضیحات برخی دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌ها همراه با نام ولایات، شهرها و محله‌ها، وجه تسمیه یا نام کهن آنها نیز بیان شده است. در برخی منابع، مشکل اشتقاق عامیانه و دریافتن معنای واژه با توجه به ظاهر آن وجود دارد که در صورت انجام پژوهش درباره این اسامی، ریشه‌یابی، داشتن الگوی مشخص برای اسامی هر دوره و بررسی‌های بیشتر در جغرافیای تاریخی، این مسائل برطرف خواهد شد. درحقیقت، هر واژه باید در بستر تاریخی خود بررسی شود.

بخش زیادی از توجه به نام‌ها در دوره معاصر، متمرکز بر موضوع لقب و بررسی القاب قاجاری است. بخش دیگر به موضوع نام در ایران امروزی می‌پردازد و کمتر پژوهشی در حوزه اسامی پیش از قاجار صورت گرفته است؛ البته تذکره‌ها را نیز می‌توان پژوهش‌های نام‌شناسی دانست، هرچند با هدف شرح حال بزرگان تألیف شده‌اند. در واقع تذکره‌ها همانند تراجم در علوم اسلامی هستند. بسیاری از تحقیقات در ایران و جهان به روان‌شناسی اجتماعی اسامی پرداخته‌اند که از بحث این مقاله خارج است. در

ادامه نمونه‌هایی از آثار نگاشته‌شده در این حوزه ذیل تذکره، القاب، فهارس و نام‌شناسی، بررسی شده است.

#### ۴-۲-۱. تذکره‌ها (تذاکر)

تذکره به شماری از کتب شرح حال، به‌ویژه شرح حال شاعران گفته می‌شود. همچنین این واژه برای کتب شرح حال صوفیان، خطاطان، علما و ادیبان نیز به‌کاررفته است (معین، ۱۳۸۱: تذکره). در برخی تذکره‌ها نیز به شرح زندگانی بزرگان و امیران پرداخته شده است و همچنین آثاری از علم رجال و انساب نیز با عنوان تذکره نگارش یافته‌اند (رابینسون، قربانی زرین و منفرد، ۱۳۹۳: «تذکره»). هدف اصلی در تذکره‌نویسی شرح احوال افراد است (دادبه، مسعودی آرنای و ملااحمد، ۱۳۸۵: «تذکره‌نویسی») تذکره‌ها را می‌توان از جهات گوناگون تقسیم‌بندی کرد؛ موضوعی، از جهت استقلال یا عدم استقلال، بازه زمانی و ... . تذکره‌نویسی فارسی از قرن ۶ ق. رشد کرد و رونق گرفت (همان).

تذکره‌ها می‌توانند به‌طور غیرمستقیم پژوهش نام‌شناسی به‌شمار آیند؛ چراکه درحین بیان شرح حال، قطعاً اسامی افراد نیز در آنها ذکر شده است و لذا می‌توانند منابع پژوهش در این حوزه باشند؛ اما تفاوت تذکره‌ها تفکیک‌شدن اسامی خاص و همچنین سعی بر ذکر نام کامل افراد و در بعضی موارد، اشاره به علت نام‌گذاری، ذکر تخلص و نام شهر فرد و داده‌های کاربردی این‌چنینی است. تذاکر را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: کتب معاصر که براساس کتاب‌های قدیم (تاریخ‌نگاری‌ها، جغرافی‌نگاری‌ها و ...) نوشته شده‌اند و مواردی که پیش از دوره معاصر نگارش یافته‌اند.

#### دوره معاصر

در این دوره «رجال کتاب حبیب‌السییر» (نوابی، ۱۳۷۹) در ذکر احوال فضلا، عرفا، هنرمندان تألیف شد که اسامی افراد و شرح مختصری از احوال آنان از زمان استیلای مغول تا پایان حکومت شاه اسماعیل اول را به تفکیک حاکمان دربردارد. این کتاب براساس زمان زیست افراد و به همان ترتیب کتاب *حبیب‌السییر* مرتب شده و هدف از نگارش آن، صرفاً معرفی و حفظ احوالات بزرگان دوره‌ای از تاریخ است و نه مطالعه خود اسامی. نمونه دیگر در بیان شرح حال افراد که نام آنها نیز به‌تبع ذکر شده است، «شرح حال رجال قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴» (بامداد، ۱۳۷۸) است که رجال عصر قاجار را معرفی و آثار آنان را بیان کرده است. «تاریخ تذکره‌های فارسی» (گلچین معانی، ۱۳۶۳)، تذکره دیگری در این دوره است که نویسنده آن از تذکره‌های گوناگون و منابع دست اول استفاده کرده است؛ بدین ترتیب که نام کتاب و نویسنده را زیر آن آورده، قسمت‌های مختلف کتاب را معرفی

کرده و بخشی از آن را به عنوان نمونه آورده است. در انتهای کتاب نیز اسامی تذکره‌ها بر اساس تاریخ و نام نویسندگان براساس الفبا فهرست شده است.

#### پیش از دوره معاصر

از جمله تذکره‌های این دوره، می‌توان به تذکره الحکاکین در چشم پزشکی، تذکره الخطاطین در هنر، تذکره الاولیا در عرفان و ... اشاره کرد. تذکره‌ها می‌توانند ترتیب الفبایی، مثل ید بیضا از میرغلامعلی آزاد بلگرامی؛ ترتیب تاریخی، مانند مرآت الخیال شیرعلی خان لودی؛ جغرافیایی براساس مکان، همچون لطایف الخیال دارابی شیرازی داشته باشند (دادبه، مسعودی آرانی و ملا احمد، ۱۳۸۵: «تذکره نویسی»). همچنین خیرات حسان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۴)، تذکره زنان نامدار جهان اسلام است که در دوره قاجار به زبان فارسی نوشته شده است. اعتمادالسلطنه کتاب مشاهیر النساء را پایه قرار داده و پس از ترجمه آن، معلومات خود را بر آن افزوده است، او شرح حال بسیاری از زنان فاضل، به ویژه هم‌عصرانش را در تذکره خود جای داده است. وی در این اثر گاه از یک تن در ذیل چند نام یاد کرده و گاه صفات و القاب را نیز مدخل قرار داده است؛ مثلاً مدخل «بانوی بهشت» را پس از توضیحی کوتاه، به فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> ارجاع داده است. گاه نیز در ذیل یک مدخل به چند تن اشاره کرده است (ذاکرا الحسینی، ۱۳۹۳: «خیرات حسان»).

#### ۲-۲-۴. فهرست نویسی‌ها

از جدیدترین فهرسی که درباره اسامی افراد وجود دارد، می‌توان فهرست مستند مشاهیر و مؤلفان (دریایی و هدایت، ۱۳۷۶) را نام برد که با هدف مستندسازی نام مؤلفان، برای کتابخانه ملی نگاشته شده و احوال افراد نیز در آن مستند شده است. نویسندگان برای نگارش این کتاب از منابع گوناگون چون *الفهرست* ابن ندیم و بسیاری منابع دیگر استفاده کرده‌اند که نام افراد در این منابع، به منظور حفظ احوال و بیان شرح حال آنان ذکر شده است. فهرست نویسی این کتاب براساس نام اشهر افراد است. این فهرست شامل مستند نام کلیه کسانی است که نامشان به عنوان شناسه اصلی در فهرست برگه‌های کتابخانه ملی ایران آمده است و شامل نام نویسندگان، مترجمان، مصححان، هنرمندان، رجال و مشاهیر ایرانی و غیرایرانی است که در برگه‌های فهرست موجود در کتابخانه ملی وارد شده‌اند؛ خواه شناسه اصلی، خواه شناسه موضوعی، که در آنها شخص مورد نظر موضوع کتاب است، و خواه شناسه افزوده مثل نویسندگان همکار، مصححان، تصویرگران و مانند آن.

## ۴-۲-۳. القاب

پژوهش‌هایی که القاب افراد را در دوره‌های مختلف تاریخی بررسی کرده‌اند نیز می‌توانند جزئی از پژوهش‌های نام‌شناسی باشند که البته قسمت عمده آنها به دوره قاجار اختصاص دارد. در ادامه نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها با توجه به دوره مورد مطالعه آمده است.

## پیش از قاجار

مقاله‌ای با عنوان «لقب و لقب‌گذاری در ایران» (فرشیدورد و زیرک، ۱۳۸۱) به بیان لقب در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران، انواع آن و جای آنها در اسم پرداخته است. در مقاله «ایران‌شناسی؛ القاب، بازتاب طبقاتی و فرهنگی در نام‌گذاری‌ها» (امین، ۱۳۸۵) بیان شده است که اسامی، منابع مهمی در مطالعه سلسله‌مراتب اجتماعی هستند. همچنین در این مقاله به القاب، شیوه نام‌گذاری در ایران در ادوار مختلف، ضوابط صدور لقب، به ارث رسیدن آن و مواردی دیگر درباره القاب پرداخته شده است.

## القاب قاجاری

دسته‌ای دیگر از منابع به موضوع القاب در دوره قاجار و همچنین دشواری نام‌ها در دوره اسلامی یا ارزش مطالعاتی آنها اشاره کرده‌اند؛ از جمله کتاب شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار (مستوفی، ۱۳۴۱) که در خلال قسمتی از زندگی‌نامه عبدالله مستوفی به چگونگی اعطای القاب در دوره‌های تاریخی مختلف (ایران باستان، خلفای عباسی، مغول، قاجار) پرداخته است. مقاله «لقب در عصر قاجار» (وحیدنیا، ۱۳۸۳) به ازدیاد اعطای لقب در این عصر و فروش آن و ... پرداخته است. مقاله «بديع الزمان فروزانفر؛ مطالعه‌ای در جامعه‌شناسی، نام، نام‌خانوادگی و لقب» مطالعه موردی برای نشان دادن بازتاب ارزشی و طبقاتی نام‌ها در تحرک اجتماعی ایرانیان در دوره پهلوی است (امین، ۱۳۸۶). چگونگی اعطای القاب مشابه در دوره قاجار (نجاری، ۱۳۹۴)، کتاب دیگری درباره القاب قاجاری با نام است که به تاریخچه‌ای از اعطای القاب در ایران دوره‌های مختلف پرداخته و سپس درباره انواع لقب در دوره قاجار و به‌طور خاص لقب مشیرالدوله صحبت کرده است. پایان‌نامه «القاب دولتی، علمی، ادبی و مذهبی در دوره قاجاریه» (شاهنواز، ۱۳۵۲) با راهنمایی ایرج افشار، به القاب دوره قاجار پرداخته و فهرستی از القاب، نام‌های زادگانی، نسبت‌ها و تخلص‌های مورد استفاده در آن دوره را به ترتیب الفبا بیان کرده است. در پایان‌نامه «اسامی اشهر و القاب دوره ناصرالدین شاه» (سلطان‌قرایی، ۱۳۵۵)، اسامی اشهر دوره ناصری به ترتیب الفبا بیان شده و شرح حال مختصری از افراد آمده است. پایان‌نامه «القاب دوره قاجاری، مستخرج از نه سرگذشت‌نامه و خاطرات» (سلیمانی، ۱۳۶۹) در ابتدا توضیحی درباره تاریخچه اعطای لقب در دوره‌های مختلف تاریخی دارد و سپس القاب



مورد استفاده در دوره قاجار را به ترتیب الفبا معرفی کرده است. بعدها این پایان نامه به صورت کتاب به چاپ رسید و نمایه اسامی در انتهای کتاب آورده شد (افشار و سلیمانی، ۱۳۷۹). پایان نامه‌ای با عنوان «فرامین انتصاب در عصر ناصری، القاب و مناصب درباری» (شعبی عمرانی، ۱۳۹۳)، ساختار فرامین اعطای القاب را بررسی و در بخش کوچکی ارتباط میان القاب و مناصب را تبیین می‌کند. جالب اینکه بخشی نیز به القاب بانوان قجر اختصاص داده است؛ گرچه رویکرد کلی آن بررسی ساختار فرامین است.

#### ۴-۲-۴. نام‌شناسی

برخی پژوهش‌ها مستقیماً با هدف نام‌شناسی صورت گرفته‌اند که به دو دسته اسامی تاریخی (پژوهش‌هایی که به غیر از اسامی امروزی پرداخته‌اند) و اسامی معاصر (اسامی امروزی) می‌پردازند.

#### اسامی تاریخی

کتاب *نام‌های اسلامی* (شیمل، ۱۳۷۶) به ضرورت پرداختن به نام‌شناسی، دشواری‌ها در تبدیل اسامی اسلامی به زبان‌های دیگر و بیان مثال‌های متعدد پرداخته است. این کتاب ساختار اسامی اسلامی را بیان و برخی منابع نام‌شناسی را معرفی کرده و عوامل تأثیرگذار بر نام‌گذاری را بررسی نموده است. در مجموع این کتاب رویکردی نام‌شناسانه دارد و بسیار ارزشمند است. در کتابی دیگر با نام *Derwische im Vorhof der macht: Social und Wirtschaftsgeschichte Nordwestiran im 13. und 14. Jahrhundert* (Gronke, 1993) برخی جای‌نام‌ها و همچنین اسامی افراد در آنها بررسی شده و با تفکیک خاندان‌ها بر مبنای مشاغلشان، آنها را معرفی کرده است (افشار، ۱۳۷۴: ۱۱۸-۱۱۹). مقاله‌ای از شیخ‌الحکمایی که فهرستی از اسامی «کاتبان و قاضیان اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (۱۳۸۰) در آن آمده است، علاوه بر بیان اسامی، اجزای نام‌های اسلامی (پیش‌نام، نام، کنیه، لقب، نسبت‌ها، شهرت و تخلص، ویژگی‌های شخصیتی و جسمی) را بیان کرده و شیوه فهرست‌نویسی تازه‌ای را برای اسامی پیشنهاد داده است؛ به طوری که فهرست به صورت ارجاع پیاپی به کل اجزای نام ارائه شده است. نویسنده معتقد است که ارجاع به نام اشهر تا جایی مشکل‌گشا است که شخص شناخته شده‌ای مورد جست‌وجو قرار می‌گیرد. مقاله «دشواری نام‌ها در پژوهش‌های تاریخی» (صادقی، ۱۳۸۲) به خطاها و مشکلات احتمالی در بررسی اسامی افراد در دوره اسلامی می‌پردازد؛ از جمله تشابه لقب، کنیه و نام‌ها، تشابه و اشتراک نسب، تشابه نام پدر با پسر، انتساب به اجداد یا به مادر، تصحیف، جابه‌جایی نام و نسب و... است که بر مبنای مثال‌هایی از تاریخ اسلام بیان شده و برای حل این مشکلات، راه‌حلی از قبیل اهمیت بیان اسم کامل و بررسی اسامی

مشابه در منابع گوناگون از یک دوره تاریخی پیشنهاد شده است. مقاله «Şeyh Safî» Seyh Safî در منابع گوناگون از یک دوره تاریخی پیشنهاد شده است. مقاله «Şeyh Safî» (Musali, 2016) به اسامی ترکی موجود در فهرست به همراه ریشه‌یابی و معنی آن پرداخته است. در این مقاله اسامی به‌دست‌آمده از فهرست با فهرست اسامی ترکی تاریخی شهر کاستامونو مقایسه و بیان شده است که شباهت‌های زیاد میان این دو فهرست، نمایانگر رابطه فرهنگی قوی میان آناتولی و آذربایجان است. همچنین اسامی از نظر معنایی تقسیم‌بندی شده‌اند. پایان‌نامه «تحلیل آماری نام‌های موجود در اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بررسی آنها در جهت بازنمایی تاریخ و فرهنگ ایران قرون ۸-۱۲ق» (رضوان، ۱۳۹۷) به معرفی ظرفیت و گستردگی دانش‌نام‌شناسی و بیان اهمیت آن، بررسی ساختار اسامی افراد، مطالعه تغییرات ظاهری و معنایی هریک از اجزای ساختاری اسامی و تأثیر جامعه بر شکل‌گیری محتوای این ساختار پرداخته است. در این پژوهش اجزای کلی اسامی افراد، به‌ویژه بانوان به‌عنوان بخش مهمی از جامعه که کمتر دیده شده‌اند، شامل پیش‌نام، لقب، کنیه، نام‌زادگانی و نسبت‌ها (اعم از نسبت شغلی، جغرافیایی، خاندانی و طایفه‌ای، مشربی و مذهبی) براساس اسامی مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بررسی شده و برای هر جزء نمونه‌های اسامی از اسناد و درباره بانوان تمامی اسامی موجود در اسناد اردبیل آورده شده است. به قواعد حاکم بر هر جز از نام افراد اشاره و با اسامی اسناد مطابقت داده شده است و درنهایت، تغییرات زبانی، ظاهری، مذهبی و فرهنگی این اجزا و عناصر تأثیرگذار بر این تغییرات بیان شده است. نتایج حاصل از این پژوهش مشخص شدن چگونگی تغییر محتوای الگوی ساختاری و حتی چگونگی تغییر اجزای ساختار شامل پیش‌نام، کنیه، لقب، نام‌زادگانی و نسبت‌های افراد باتوجه به دوره‌های تاریخی گوناگون بوده است. همچنین روشن می‌شود که جامعه، به‌ویژه جامعه ایلخانی و صفوی (شامل مذهب، فرهنگ، زبان و حکومت) تأثیر بسزایی در تغییرات ظاهری و معنایی واژگان مورد استفاده در نام‌گذاری افراد داشته‌اند و همچنین با گذر زمان برخی از اجزای نام‌برده از نام‌گذاری‌ها حذف یا به آنها افزوده شده‌اند. علاوه بر این موارد، درباره اسامی بانوان باتوجه به نام آنها، میزان حضور طبقات گوناگون بانوان در جامعه مشخص شده است. این پژوهش از معدود پژوهش‌های صورت‌گرفته با رویکرد نام‌شناسی درباره اسامی ایران اسلامی، به‌ویژه اسامی پیش از دوره قاجار است و همچنین از معدود پژوهش‌هایی است که بر مبنای مجموعه اسامی اسناد بقعه انجام شده است.

## اسامی معاصر

کتاب *Iranisches Namenbuch*<sup>۱۵</sup> (Justi, 1936) به جمع‌آوری اسامی در متون اوستایی، فارسی باستان، میانه و نو تا زمان نویسنده (قرن ۲۰م) و نیز اقوامی که با ایرانیان در ارتباط بوده‌اند، همچون آشوری، عبری، یونانی و... پرداخته و در حد امکان آنها را ریشه‌شناسی کرده است. مقاله «نظام نام‌گذاری غیررسمی عامه در میان جزیره‌نشینان قشم» (ندیم، ۱۳۸۴)، تأثیر وضعیت شغلی و رفتار اجتماعی فرد را در نام‌گذاری عامیانه بررسی و در انتها فهرستی از نام‌های عامیانه ارائه کرده است. مقاله «تحول نام‌گذاری فرزندان در شهر تهران» (افشار و نجاتی حسینی، ۱۳۸۸) بیان می‌کند که روند تغییر و تحول نام‌های افراد می‌تواند نمایانگر تغییر اجتماعی و فرهنگی در نظام اجتماعی باشد. این مقاله تعدادی نام از مناطق مختلف تهران را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که مردان بیش از زنان دارای نام‌های اسلامی مدرن هستند. همین‌طور در دوره انقلاب بیشتر کودکان نام‌های اسلامی داشته‌اند و در دوره اصلاحات بیشتر نام‌های غربی رواج یافته‌اند. همچنین ساکنان جنوب شهر بیشتر نام‌های اسلامی سنتی دارند و ساکنان شمال شهر بیشتر نام‌های ایرانی مدرن را برگزیده‌اند. مقاله «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر نام‌گزینی کودکان توسط خانواده‌های ایرانی» (دانش و قربانی، ۱۳۹۶)، فرهنگ نام‌گزینی تعدادی از افراد استان هرمزگان را بررسی کرده که با در نظر گرفتن معیارهایی اعم از ملی‌گرایی و مذهبی بودن، به بررسی همبستگی آن با نوع نام‌هایی که بدان گرایش دارند، پرداخته است. مقاله «بررسی زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی سیر تحولات و گرایش‌های والدین برای نام‌گذاری فرزندان در شهر شیراز» (فیض، ۱۳۸۳)، ارتباط میان نام‌گذاری افراد، تحصیلات و شغل والدینشان را بررسی می‌کند و همچنین به اسامی از دو نظر آواشناسی و واژه‌شناختی می‌پردازد. همان‌طور که روشن است، بیشتر کارهای انجام در ایران اسلامی به دوره معاصر و یا دوره قاجار مرتبط است و جز علم رجال که به اسامی افراد از قرون اولیه اسلامی می‌پردازد، سایر کارها به پیش از این دوره توجه کم‌تری داشته‌اند و در مجموع حوزه نام‌شناسی قطعاً نیازمند پژوهش‌های بیشتر در شاخه‌های گوناگون این دانش است.

## ۵. نتیجه

نام‌شناسی، دانشی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه اسامی خاص می‌پردازد، این اسامی از زمان‌ها، زبان‌ها و جغرافیاهای گوناگون است و انواعی دارد. منابع مطالعاتی این دانش

اسامی موجود در جامعه و همچنین اسامی موجود در منابع مکتوب و اشیا هستند؛ در واقع هرچیزی نامی دارد و هر نام می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد.

قطعاً شیوه نام‌گذاری براساس جغرافیا، زبان، دین و زمان تغییر می‌کند که بررسی روند این تغییرات در مسائل مختلف کارگشاست. درحقیقت آنچه سبب اهمیت اسامی خاص می‌شود، علاوه بر کارکرد اولیه که تشخیص افراد، اشیاء، اماکن و ... از یکدیگر است، کارکردهای ثانویه آنها، یعنی کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، زبان‌شناسی، سندشناسی، باستان‌شناسی و شاخه‌های بسیار دیگر است. این کارکردها می‌تواند نتایج مهم و کاربردی به‌دست‌دهد؛ از جمله علت تغییر نام‌های افراد و اماکن در دوره‌های تاریخی مختلف و همچنین میزان نفوذ زبان‌های گوناگون در جغرافیای خاص، نشان‌دادن تغییرات اقلیمی و مذهبی، روند قدرت‌گیری قوم یا سلسله‌ای خاص در تاریخ، الگوی مهاجرت افراد به مناطق گوناگون، نوع نگاه و گرایش‌های جامعه و بسیاری نتایج دیگر که شاید نتوان به‌سادگی یا با ضریب اطمینان بالا از تاریخ‌نگاری‌ها آنها را به‌دست آورد و درخصوص جوامع امروزی شاید نتوان با پرسش مستقیم از افراد یا نگاشته‌ها به این نتایج دست یافت.

آنچه روشن است محدودبودن مطالعات انجام‌شده درباره اسامی خاص با رویکرد و هدف نام‌شناسی در ایران است که باتوجه به کاربرد اسامی خاص در حوزه‌های گوناگون و پژوهش‌های اندک در موضوع نام‌شناسی به‌عنوان حوزه‌ای مستقل در ایران و نیز اسامی ایران دوره اسلامی، ضرورت تشکیل مرکزی برای نام‌شناسی و سازمان‌دهی اسامی خاص در آن احساس می‌شود. این مرکز می‌تواند زیرمجموعه فرهنگستان ادب فارسی، دانشگاه‌ها یا مؤسسه لغت‌نامه دهخدا باشد. سپس می‌توان باتوجه به نام‌هایی که گردآوری می‌شود، به تدریج یک پایگاه داده به‌صورت بانکی از نام‌های گوناگون به‌وجودآورد که در نام‌گذاری‌های جدید و یافتن معادل برای واژگان فرنگی، همچنین ریشه‌یابی اسامی در مطالعات زبان‌شناسی و به‌طور کلی علوم انسانی کارگشا باشد. همچنین می‌توان این بانک را در دسترس عموم قرار داد تا برای نام‌گزینی از آن استفاده کنند یا با افزودن نامی به آن (از گویش‌های گوناگون) در غنی‌ترشدن این پایگاه مشارکت داشته باشند. ناگفته نماند که سازمان ثبت احوال کشور در وبسایت خود، فهرستی از اسامی پرتکرار به همراه راهنمای نام‌گزینی، فراوانی نامی مشخص در سطح کشور و معنای آن ارائه می‌دهد. همچنین سازمان نقشه‌برداری کشور پایگاه داده‌ای به نام «پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی ایران» ساخته است که در آن به‌منظور گردآوری، ثبت و یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی،

عوارض طبیعی و دست‌ساز را می‌توان بر روی نقشه جست‌وجو کرد؛ گرچه با مستقل شدن چنین پایگاه‌هایی زیر نظر یک بنیاد نام‌شناسی ملی، می‌توان به‌طور گسترده در این امور پژوهش کرد.

### پی‌نوشت

- 1.The International Council of Onomastic Sciences (ICOS)
- 2.English Place-Names Society
- 3.The Journal of English Place-Names Society
- 4.The Society for Name Studies in Britain and Ireland
- 5.Iranisches Personennamenbuch
- 6.Guild of One-Name Studies
- 7.The Nordic cooperative committee for onomastic research
- 8.People of Medieval Scotland 1093-1314
- 9.The corpus of Northern Ireland place-names
- 10.The Ulster Place-Name Society
- 11.Department of Nordic Research
- 12.The Institute for Language and Folklore

۱۳. درویش جلودار قدرت: تاریخ اجتماعی و اقتصادی شمال غرب ایران در قرن ۱۳ و ۱۴ م/۷ و ۸ ق.
۱۴. «بررسی نام‌ها و القاب ترکی در مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی براساس کتاب فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی».
۱۵. نام‌نامه ایرانی.

### منابع

- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، مجمع‌الآداب فی معجم القاب، تصحیح محمد کاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶.
- ابن کلیبی، هشام بن محمد، جمهرة‌النسب، تحیح حسن ناجی، بی‌جا، عالم‌الکتب، ۱۴۰۷.
- ابن ماکولا، الامیر الحافظ علی بن هبة الله ابن نصر، الاکمال فی رفع الاریتباب عن المؤلف و المختلف فی الاسما و الاکنی و الانساب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان وزیر، خیرات حسان؛ زندگی‌نامه زنان مشهور، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴.
- اعلمی حائری، محمدحسین، تراجم‌أعلام‌النساء، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
- افشار، ایرج، «کلک ایران‌شناسی؛ تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۷)»، کلک، ش ۶۷، ۱۰۲-۱۳۴، ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_ و کریم سلیمانی، القاب رجال دوره قاجار، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_\_ فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، جلد ۵، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- افشار، سمیه و سید محمود نجاتی حسینی، «تحول نام‌گذاری فرزندان در شهر تهران»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۳، ۱۴۱-۱۵۸، ۱۳۸۸.
- امین، سیدحسن، «ایران‌شناسی؛ القاب، بازتاب طبقاتی و فرهنگی در نام‌گذاری‌ها»، ماهنامه حافظ، ش ۲۹، ۶-۲۱، خرداد ۱۳۸۵.

- \_\_\_\_\_ «بديع الزمان فروزانفر؛ مطالعه‌ای در جامعه‌شناسی، نام، نام خانوادگی و لقب»، ماهنامه حافظ، ش ۴۰، ۱۰-۱۹، اردیبهشت ۱۳۸۶.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴، تهران، زوار، ۱۳۷۸.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، یتیمه‌الذهر فی محاسن أهل العصر، شرح و تحقیق مفیدمحمد قمیحه، تصحیح و گردآوری ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۰.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- حافظیان، ابوالفضل، رسائل فی درایة الحدیث، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۰.
- حسون، محمد و ام علی مشکوة، اعلام النساء المؤمنات، تهران، اسوه، ۱۴۲۱.
- دادبه، اصغر، عبدالله مسعودی آرائی و میرزا ملاحمد، «تذکره‌نویسی»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۱۴، تهران، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- دارقطنی، علی بن عمر، المؤلف و المختلف، تصحیح موفق بن عبدالله، بیروت، دارالمغرب اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- دانش، یونس و علی‌اکبر قربانی، «بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر نام‌گزینی کودکان توسط خانواده‌های ایرانی (مطالعه موردی استان هرمزگان)»، مشارکت و توسعه اجتماعی، ش ۳ و ۵، ۸۷-۱۰۹، ۱۳۹۶.
- دریابی، شهره و مرضیه هدایت، فهرست مستند مشاهیر و مؤلفان، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۷۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ذاکرا الحسینی، محسن، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۶، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
- رابینسون، ج. استوارت، باقر قربانی‌زین و افسانه منفرد، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۶، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
- الراضی‌العبدالله، شیخ حسین، تاریخ علم الرجال، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۲۰۰۱.
- رجب‌زاده، احمد، تحلیل اجتماعی نام‌گذاری؛ بررسی موردی اراک، همدان، بوشهر، تهران، روش، ۱۳۷۸.
- رحیمی‌فر، مهناز و سعیداف عبدالقهار، «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف‌نامه‌ها»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۲، ۴۱-۷۰، ۱۳۹۲.
- رضوان، رامینا، «تحلیل آماری نام‌های موجود در اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بررسی آنها در جهت بازنمایی تاریخ و فرهنگ ایران قرون ۸-۱۲ق»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما رسول جعفریان، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- سبحانی، شیخ جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۹.
- سلطان‌القزایی، صادق، «اسامی اشهر و القاب دوره ناصرالدین شاه»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما کامران فانی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- سلیمانی، کریم، «القاب دوره قاجاری، مستخرج از نه سرگذشت‌نامه و خاطرات»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما ایرج افشار، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الانساب*، تصحیح عبدالرحمان بن یحیی معلمی، حیدرآباد، مجلس دایرةالمعارف عثمانیه، ۱۳۸۲ ق.
- شاهنواز، پری‌ناز، «لقاب دولتی، علمی، ادبی و مذهبی در دوره قاجاریه»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما ایرج افشار، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- شروانی، جمال خلیل، *نزهة المجالس*، تصحیح و مقدمه و حواشی محمدامین ریاحی، تهران، مه‌مهرت، ۱۳۷۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، «جامعه‌شناسی نام‌های تاریخ اسلام»، *روزنامه اطلاعات*، ش ۲۳۷۵۴، ۶، ۱۳۸۵.
- شعبی عمرانی، محیا، «فرامین انتصاب در عصر ناصری (القاب و مناصب درباری)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما رسول جعفریان، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، «کاتبان و قاضیان اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی اسناد قرن ۶-۱۰ ق؛ پیشنهادی برای فهرست‌نویسی و مستندسازی اسامی»، *نامه بهارستان*، ش ۴، ۱۳۷-۱۵۲، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_ *فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_ «مترجم تاریخ سلاتیکی کیست؟»، *گزارش میراث*، ش ۵۰ و ۵۱، ۱۰-۱۲، ۱۳۹۱.
- شیمیل، آنه ماری، *نام‌های اسلامی*، ترجمه گیتی آرین، تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۷۶.
- صادقی، مصطفی، «دشواری نام‌ها در پژوهش‌های تاریخی»، *پژوهش و حوزه*، ش ۱۳ و ۱۴، ۱۱۱-۱۳۶، ۱۳۸۲.
- صفت‌گل، منصور، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی؛ تاریخ تحولات دینی ایران سده‌های ۱۰-۱۲ ق*، تهران، رسا، ۱۳۸۹.
- صفری، جواد، «تبیین جامعه‌شناختی نام‌گذاری فرزندان (مطالعه موردی شهرستان لامرد)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما مهدی ادیبی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۹.
- طوسی، محمد بن حسن، *رجال طوسی*، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، اسلامی، ۱۴۲۷.
- عوتبی صحاری، سلمه بن مسلم، *الانساب*، مسقط، وزارت التراث القومي و الثقافة، ۱۴۲۷.
- فرشیدورد، میرخسرو و ساره زیرک، «لقب و لقب‌گذاری در ایران»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۸۷-۹۹، ۱۳۸۱.
- فیض، سهیلا، «بررسی زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی سیر تحولات و گرایش‌های والدین برای نام‌گذاری فرزندان در شهر شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما حمید زاهدی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳.
- کتبی، محمد بن شاکر، *فوات‌الوفیات*، تصحیح ابن خلکان احمد بن محمد و احسان عباس، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- گلچین معانی، احمد، *تاریخ تذکره‌های فارسی*، تهران، سنایی، ۱۳۶۳.
- معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، *بانوان عالمه و آثار آنها*، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۹.
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، تهران، زوار، ۱۳۴۱.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، کتاب راه نو، ۱۳۸۱.
- میردامادی، مجتبی، *علم رجال و درایه*، تهران، میراث فرهیختگان، ۱۳۹۶.

نجاری، مهدی، چگونگی اعطای القاب مشابه در دوره قاجار (مطالعه موردی لقب مشیرالدوله)، تهران، ندای تاریخ، ۱۳۹۴.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تصحیح موسی شبیری زنجانی، قم، اسلامی، ۱۳۶۵.  
 نوایی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب السیر (از حمله مغول تا مرگ شاه اسماعیل اول)، ویراستاری طاهره عدل، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.  
 ندیم، مصطفی، «نظام نام‌گذاری غیررسمی عامه در میان جزیره‌نشینان قشم»، نامه انسان‌شناسی، ش ۷، ۱۴۷-۱۶۰، ۱۳۸۴.

نفیسی، علی‌اکبر (ناظم‌الاطبا)، فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطبا)، تهران، خیام، ۱۳۵۵.  
 وحیدنیا، سیف‌الله، «لقب در عصر قاجار»، ماهنامه حافظ، ش ۲، ۴۲-۴۵، ۱۳۸۳.  
 هاشمی، سروش، «چند نکته در سندپژوهی و نقدی بر بازخوانی (!) یک سند»، گزارش میراث، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۹-۲۱، ۱۳۸۷.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم‌الادبا، تصحیح احسان عباس، بیروت، دارالمغرب اسلامی، ۱۹۹۳.

Zgusta, Ladislav, "Name", <https://www.britannica.com/topic/name>, 2014.

Bruck, Gabriel; Barbara Bodenhorn, *The Anthropology of Names and Naming*, Cambridge, Cambridge University, 2006.

Coates, Richard; "What is Onomastics?", <https://icosweb.net/what-is-onomastics/>

"Namenkunde", <https://www.duden.de/node/101254/revision/101290>, 2019.

Gronke, Monika, *Derwische im Vorhof der macht: Social und Wirtschaftsgeschichte Norddwestiran im 13. und 14. Jahrhundert*, Stuttgart, Steiner, 1993.

Hajdú, Miháli, *History of Onomastics*, Budapest, (?), 7-45, 2003.

Hough, Carole; <http://onomastics.co.uk/>?

Justi, Ferdinand, *Iranisches Namenbuch*, Marburg, Hildesheim, 1936.

Musali, Namiq, "Şeyh Safî Türbesi'nin Arşiv Belgelerinde Türkçe Şahis ve Unvan Adları", *TÜRÜK Uluslararası Dil, Edebiyat ve Halkbilimi Araştırmaları Dergisi*, 7, 172-194, 2016.

Liddell, Henry George and Robert Scott, *A Greek English lexicon*, New York, Harper, 1883.

"Onomastique", Larousse pratique, dictionnaire de français au quotidien, Larousse Ed., Paris, Larousse, 2003.

URL1: <http://www.nottingham.ac.uk/research/groups/epns>

URL2: <http://unstats.un.org/unsd/geoinfo/ungegn/default.html>

URL3: <http://snsbi.org.uk/index.html>

URL4: <https://www.oeaw.ac.at/en/iran/research/linguistics-onomastics/iranian-personal-names/>

URL5: <http://one-name.org/about-the-guild/what-is-a-one-name-study>

URL6: <http://www.norna.org/?q=content/what-norna>

URL7: <http://www.poms.ac.uk/about>

URL8: <https://www.ulsterplacename.org/>

URL9: <https://sites.google.com/site/ghanaplacenames/home>

URL10: <http://www.sprakochfolkminnen.se/om-oss/verksamhet/about-the-institute.html>

Webster, Merriam, "Onomastics", *Webster Ninth New Collegiate Dictionary*, Massachusetts, Merriam Webster, 1988.